

تکنیک‌های طنز کودک در داستان‌های «حذاء الطنبوری و العرنس» کامل‌الکیلانی و
«دیو دیگ به سر و نوش جون آقا بزه» فرهاد حسن زاده

عیسی زارع درنیانی*

محمد مرادی**

قربانعلی ابراهیمی***

چکیده

طنز، شیوه هنرمندانه بیان اهداف و مشتمل بر تکنیک‌هایی است که در ادبیات معاصر عربی و فارسی، نمود بارزی داشته و نویسندگان بسیاری برای مقاصد خود از آن استفاده نموده‌اند؛ از جمله طنزپردازان می‌توان، کامل‌الکیلانی و فرهاد حسن زاده را نام برد که در داستان‌های کودکانه خود، از واژگان و ترکیب‌های ساده مبتنی بر تکنیک‌های کاربرد زبانی و محتوای زبانی، بهره جسته‌اند لذا در این جستار سعی شده است با بهره‌گیری از تحلیل محتوا، تکنیک‌های طنز کودک حذاء الطنبوری و العرنس از کامل‌الکیلانی و دیو دیگ به سر و نوش جون آقا بزه از فرهاد حسن زاده با روش تطبیقی مکتب آمریکایی، بررسی شود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سادگی زبانی و تفاوت‌های لحنی در داستان‌های آنها وجود دارد و کوچک‌سازی، بزرگ‌سازی، طنزگفتار، طنز موقعیت، تشبیه، تکرار، تضاد، ضرب‌المثل و کنایه از تکنیک‌های مشترک طنزپردازان در داستان‌های آنها است و هر یک با تصویرسازی ذهنی، مبالغه، همانندسازی، انتخاب واژگان و ترکیب‌های متداول جامعه، تقابل و تکرار برای برجسته‌سازی، هدف خود را رویکرد تعلیمی، تربیتی و سرگرمی قرار داده‌اند، هر چند زبان فرهاد حسن زاده در طنز پردازان، ساده‌تر، کودکانه‌تر، عوام‌تر اما زبان کامل‌الکیلانی در بیان تشبیه و کیفیت‌زبانی، کامل‌تر است.

* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی. isazaredorniani@khu.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد نجف آباد. mohammadmoradi8965@gmail.com

(نویسنده‌ی مسئول)

*** استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد نجف آباد. ghorbanali,ebrahimi333@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

واژه‌های کلیدی: تکنیک‌های طنز، داستان‌های کودک، کامل‌الکیلانی، فرهاد حسن زاده.

۱. مقدمه

ادبیات داستانی زمینه مناسبی را فراهم کرده است که با کمک ساز و کارهای زبانی-بیانی (کنایه، طعنه، جناس و....) و خلق موقعیت‌های گوناگون به آفرینش طنز کمک کند.

«طنز به نوع خاصی از آثار منظوم و یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات با جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی، سیاسی و حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده دار به چالش می‌کشد» (اصلائی، ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۴۱).

زمانی که طنز در بستر ادبیات داستانی وارد می‌شود، ادبیات آن را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و نویسنده می‌تواند با کمک تکنیک‌های آن جهان حقیقی ما را به گونه‌ای دیگر به ما نمایان کند. گرچه هدف طنز بیان کمبودها، کاستی‌ها، مسائل، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و.... با نیشخند و استهزاء می‌باشد؛ خنده آن، خنده ای است تلخ و پرمعنا و مفهوم که نویسنده به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه نتوانسته این مشکلات را به طور مستقیم بیان کند. طنز هم در داستان‌های بزرگسالان می‌باشد و هم در داستان‌های کودکان، با وجود اینکه بین آن دو گروه سنی، تفاوت‌هایی است یعنی در بزرگسالان به بیان مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و.... پرداخته شده است و در کودکان، جنبه سرگرمی، تفریحی و شادی دارد.

نویسندگان بسیاری در ادبیات به طنز کودک و تکنیک‌های آن در داستان‌ها پرداخته‌اند از بین نویسندگان ادبیات عربی، کامل‌الکیلانی و در ادبیات فارسی، فرهاد حسن زاده

می‌توان نام برد. داستان‌های متعددی در حوزه ادبیات کودک دارند. تکنیک‌های طنز در داستان‌های دو نویسنده، ضرورت انجام پژوهش است که اگر در این زمینه، مقایسه شوند ارزش پژوهش را بیشتر می‌کند و از این رو این پژوهش، با روش تطبیقی مکتب آمریکایی با بهره‌گیری از تحلیل محتوا به مقایسه تکنیک‌های طنز دو اثر حذاءالطنبوری و العرنس کامل‌الکیلانی، دیو دیگ به سر و نوش جون آقا بزّه از فرهاد حسن زاده می‌پردازد که با مقایسه، وجوه اشتراک و افتراق، تکنیک‌های طنز را در داستان‌های آنها بررسی می‌کند.

۱.۱. سوال‌های پژوهش

-تکنیک‌های طنز و شیوه به‌کارگیری آن در داستان‌های حذاءالطنبوری و العرنس از کامل‌الکیلانی، و دیو دیگ به سر، نوش جون آقا بزّه از فرهاد حسن زاده چگونه است؟
-وجوه اشتراک و افتراق تکنیک‌های طنز کودک در داستان‌های حذاءالطنبوری و العرنس از کامل‌الکیلانی، و دیو دیگ به سر، نوش جون آقا بزّه از فرهاد حسن زاده چیست؟

۲.۱. روش پژوهش

روش این پژوهش، روش تطبیقی مکتب آمریکایی است و بر خود متن، تاکید دارد نه بر اساس تأثیر و تأثر رایج در مکتب فرانسوی، این‌گونه که با بهره‌گیری از تحلیل محتوا، تکنیک‌های طنز در داستان‌های (حذاءالطنبوری و العرنس) از کامل‌الکیلانی و داستان‌های (دیو دیگ به سر و نوش جون آقا بزّه) از فرهاد حسن زاده، مقایسه شده و وجوه اشتراک و افتراق داستان‌های دو نویسنده با ذکر شواهد، مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است.

۳.۱. پیشینه پژوهش

- بتول زارعی جلال آبادی (۱۳۹۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «شیوه‌های طنزپردازی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و فرهاد حسن زاده و شهرام شفیعی». این نویسنده پس از شناسایی شیوه‌های طنزپردازی با استفاده از روش اسنادی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای آثار، طنز سه نویسنده را مورد بررسی قرار داده است و تفاوت بین نویسندگان را در قالب و شیوه بیان آن‌ها ذکر نموده است بدین گونه که فرهاد حسن زاده از قالب گزارش‌گیری و هوشنگ مرادی کرمانی و شهرام شفیعی از قالب داستان بهره‌جسته‌اند و این‌که شیوه بیان طنز در اثر هوشنگ مرادی کرمانی، تاثیرگذارتر و قوی‌تر است.

- صفایی، علی و حسین ادهمی (۱۳۹۳). مقاله‌ای با عنوان «نمود تکنیک‌های طنز در ساختار پیرنگ داستان‌های فرهاد حسن زاده»، نویسندگان، سه مجموعه داستان فرهاد حسن‌زاده را بررسی می‌نمایند علاوه بر تکنیک‌های طنز به نمود و بسامدهای آن اشاره می‌کنند هدف اصلی این مقاله، تحلیل یافته‌ها و تفسیر میان تکنیک و ساختار با روش توصیفی-تحلیلی است و یافته‌ها حاکی از این است که تکنیک طنز در داستان‌های ایشان بر عناصر داستان تأثیرگذار است و در خط سیر روایت داستان قرار می‌گیرد.

- یعقوب خاتمیان (۱۳۹۴). پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی عناصر داستانی در ادبیات کودک و نوجوان کامل‌الکیلانی»، نویسنده با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چگونگی پیدایش ادبیات کودک در مصر به ویژه در آثار کامل‌الکیلانی اشاره می‌کند و عناصر داستان‌های کامل‌الکیلانی را بررسی می‌نماید. یافته‌های این پژوهش، حاکی از این است که کامل‌الکیلانی، به سلیقه کودکان، با زبانی ساده توجه می‌کند و اینکه

شخصیت‌پردازی در داستان‌هایش، نمود بسیاری دارد و به مضامین اخلاقی و تربیتی اهمیت می‌دهد.

- زهرا حمزه نژاد (۱۳۹۴). پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی مولفه‌های ادبیات کودک در داستان‌های کامل‌الکیلانی و مهدی آذر یزدی»، این پژوهش، به بررسی مؤلفه‌های ادبیات کودک در آثار داستانی دو نویسنده در گروه سنی «ج» یا روش توصیفی-تحلیلی، می‌پردازد، و یافته‌های این پژوهش، حاکی از این است که شیوه‌های بیان وقایع داستان در میان دو نویسنده متفاوت است اما شباهت‌های داستان‌های دو نویسنده، در درونمایه‌های تربیتی، اخلاقی و آموزشی است.

- محمد کلاشی، زهرا افضلی، فرامرز میرزایی (۱۳۹۶). مقاله‌ای با عنوان «سبک زبان داستان نویسی کامل‌الکیلانی در داستان کودک؛ بررسی موردی: داستان‌های «أصدقاء الربيع والفيل الأبيض»». این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، شگرد و سبک نویسندگی کامل‌الکیلانی را در داستان‌های موردنظر بررسی می‌کند. یافته‌های آن حاکی از این است که کامل‌الکیلانی با بهره‌گیری از تکرار واژه‌ها، عبارت‌های کوتاه و ساده، زبانش را با فهم کودک متناسب می‌کند.

پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده به بررسی آثار کامل‌الکیلانی و یا فرهاد حسن زاده به صورت جداگانه پرداخته است اما در پژوهش حاضر، به تحلیل محتوایی تکنیک‌های طنز کودک در داستان‌های دو نویسنده با روش تطبیقی مکتب آمریکایی و بیان وجوه اشتراک و افتراق می‌پردازد که در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته است.

۲. مبانی پژوهش